

# بررسی مبنایی اختلافات در رؤیت هلال (۲): اقوال و مبانی

## در رؤیت هلال با چشم مسلح

سید مهدی نریمانی زمان آبادی

کسانی که رؤیت با چشم مسلح را کافی می‌دانند، به «أصالة الإطلاق» در مورد رؤیت استدلال نموده‌اند؛ علاوه آنکه در هیچ‌یک از روایات، دلیل و قرینه‌ای بر اعتبار رؤیت با چشم معمولی و عادی وارد نشده است کسانی که رؤیت با چشم غیرمسلح را معتبر می‌دانند، از روایات فراوانی استفاده می‌کنند که رؤیت هلال با چشم عادی ملاک است و در غیر این صورت، اطلاع از اول ماه تنها مخصوص عدّه معدودی خواهد شد.

شبهه اجتهاد: در قسمت نخست این نوشتار، نویسنده پس از تعریف و بیان عوامل تأثیرگذار بر رؤیت هلال، فهرستی از مواضع ده‌گانه اختلاف میان فقها در زمینه رؤیت هلال ارائه نمود و در این قسمت، بخشی از آنها را تبیین می‌کند:

۱- آیا رؤیت با چشم مسلح (دوربین و تلسکوپ) در حالی که همان هلال با چشم غیر مسلح رؤیت نمی‌شود اول ماه را ثابت می‌کند؟

پاسخ یکم: حضرات آیات بهجت، خامنه‌ای، فاضل و نوری: بله.

پاسخ دوم: بقیه مراجع: خیر.

در ادامه به نقل ادله دو قول «قبول رؤیت با چشم مسلح» یا «عدم قبول با چشم غیر مسلح»، اشاره می‌شود.

ادله قول یکم: دلایل موافقین رؤیت با چشم مسلح

کسانی که رؤیت با چشم مسلح را کافی می‌دانند، به «أصالة الإطلاق» در مورد رؤیت استدلال نموده‌اند؛ علاوه آنکه در هیچ‌یک از روایات، دلیل و قرینه‌ای بر اعتبار رؤیت با چشم معمولی و عادی وارد نشده است. گرچه اصل رؤیت معتبر است و محاسبات فلکی و امور ظنی را معتبر نمی‌دانند، اما معتقدند همانطور که رؤیت با ابزاری مانند عینک کفایت می‌کند، رؤیت با ابزار قویتر که در واقع تغییری ایجاد نمی‌کند نیز کفایت می‌کند. آنچه از نظر صناعی لازم است، صدق و استناد رؤیت به بیننده می‌باشد؛ به طور قطع می‌توان رؤیت را به کسی که با تلسکوپ می‌بیند، نیز استناد داد و این استناد حقیقی است.

اعتبار چشم مسلح، در سایر احکام شرعی

شاهد روشن بر این مطلب آن است که اگر کسی با تلسکوپ مشاهده کند که شخصی به قتل رسیده، می‌تواند در محکمه شرعیّه بر آن قتل شهادت دهد و بر حاکم شرع نیز واجب است که بر این شهادت، اثر را مترتب کند؛ درحالی‌که در باب شهادت، شاهد باید مانند خورشید مورد شهادت را دیده باشد.

شاهد دوم آن است که در خوردن گوشت ماهی، وجود فلس در ماهی الزامی است؛ که حتی اگر به وسیله ذره بین بتوان آنرا مشاهده کرد، کافی است.

در بحث کنونی نیز گرچه در روایات، کلمه «رؤیت» آمده، اما از ادله استفاده می‌شود که ملاک وجود واقعی هلال است. علاوه بر این دو شاهد، در مجموع، می‌توان ادله این گروه را در سه دلیل زیر و یک مؤید خلاصه نمود:

۱- جریان اصاله الاطلاق نسبت به سبب رؤیت و عدم وجود قرینه بر انصراف.

۲- استناد حقیقی رؤیت به کسی که با ابزار و وسائل، آن را انجام می‌دهد.

۳- شمول اطلاق لفظ اهله در آیه شریفه «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْاَهْلِ»، بر هلالی که مردم با چشم معمولی نمی‌بینند، اما با وسائل و ابزار، امکان رؤیت دارد.

از شواهد و مؤیدات این نظریه نیز آن است که اگر هلال در شب اول با چشم معمولی قابل رؤیت نباشد، اما با تلسکوپ رؤیت شود، در صورتی که فردای آن شب را اول ماه ندانیم و بخواهیم روز بعد را اول ماه قرار دهیم، چنانچه این ماه در انتها بیست و هشت روز شود، طبق برخی از روایات و فتوای همه فقها، لازم است یک روز صیام را قضا نماییم. این مسأله، کشف می‌کند که در آن زمان هر چند هلال با چشم معمولی دیده نشده است، اما عنوان روز اول را دارد. این مطلب شاهد بسیار خوبی است که دیدن با چشم معمولی، موضوعیت ندارد.

اشکال:

اگر اشکال شود در چنین فرضی، کشف می‌کنیم در همان شب اول نیز امکان رؤیت با چشم معمولی بوده، لیکن به سبب برخی از موانع دیده نشده است؛ و به تعبیر دیگر، اگر ادعا شود که بین این دو ملازمه وجود دارد، یعنی در شب سی‌ام اگر ماه با چشم معمولی دیده شد، حتماً در شب اول نیز با چشم معمولی قابل رؤیت است.

در جواب می‌گوییم: هیچ دلیلی از دیدگاه نجومی و سایر طرق، در این ملازمه وجود ندارد؛ بلکه اگر موارد و گزارش‌های رؤیت مورد بررسی قرار گیرد، به نمونه‌هایی برخورد می‌نماییم که از نظر منجمین، در شب اول ادعا شده است که ماه با چشم معمولی قابل رؤیت نیست و از طرف دیگر، بعد از گذشت بیست و نه روز گزارش داده‌اند که هلال جدید با چشم معمولی قابل رؤیت است. اساساً با قطع نظر از این مطلب نیز می‌توان گفت هیچ شاهد و دلیلی از علم نجوم بر این امر وجود ندارد.

ردّ ادعای نظر مشهور

نکته: از آنجا که بسیاری از قائلین عدم کفایت، مسأله انصراف را مطرح نموده‌اند. هنگامی که سخن از رؤیت به میان می‌آید، به رؤیت متعارف که با چشم غیرمسلح است، انصراف دارد؛ زیرا، فقها در تمام ابواب فقه، اطلاقات

را منصرف به افراد متعارف می‌دانند؛ لذا پیروان نظریه جواز رؤیت با چشم مسلح به دنبال اثبات عدم انصراف واژه «رؤیه» به رؤیت با چشم عادی برآمده‌اند و در رد ادعای نظر مشهور به نکات ذیل اشاره می‌کنند:

یکم: در اصول ثابت شده است که منشأ انصراف چنانچه غلبه استعمال باشد، در انصراف کفایت می‌کند؛ اما غلبه وجود کفایت نمی‌کند. کلمه رؤیت همانطور که در دیدن با چشم معمولی استعمال شده، در دیدن با ابزاری مانند عینک، یا ذره بین و یا دوربین به نحو حقیقی استعمال می‌شود.

دوم: دلیل این مدعا قابل تأمل است؛ زیرا، بر فرض صحت این مطلب که فقها در تمام ابواب فقه، اطلاقات را به افراد متعارف منصرف می‌دانند، آیا قابلیت استدلال دارد؟ و این عمل فقها می‌تواند دلیلیت داشته باشد؟ اگر تا قبل از زمان مرحوم علامه، جمیع فقها به لزوم منزوحات بئر قائل بودند، باید برای دیگران هم حجیت داشته باشد؟ روشن است همانگونه که در این موارد، مراجعه به مدارک اقوال و نظریات آنان، مورد بررسی قرار می‌گرفت، در این بحث نیز باید مدارک و مبانی، مورد ارزیابی قرار گیرد.

سوم: توجه به نکات ذیل در بحث تأثیر به‌سزایی دارد:

نکته اول: رفع ید از اطلاق و ادعای انصراف، همیشه محتاج قرینه است و بدون قرینه، هرگز نمی‌توان ادعای انصراف نمود. در بحث ما نیز چنین انصرافی در روایات وجود ندارد.

نکته دوم: در زمان صدور این احادیث، اساساً مسأله رؤیت با چشم مسلح مطرح نبوده تا بگوییم در آن زمان انصراف به متعارف داشته است؛ و اگر در این زمان، عنوان غیرمتعارف دارد، سبب نمی‌شود که بگوییم روایات گذشته از این موارد انصراف دارند. از سوی دیگر نمی‌توان گفت دیدن با چشم مسلح از موارد غیرمتعارف است. البته صحیح است که این ابزار و وسائل، در اختیار همگان نیست و کمتر می‌توانند از آنها بهره‌برند؛ اما این جهت، غیرمتعارف بودن آن را نمی‌رساند.

نکته سوم: بنابر تحقیق، حقیقت اطلاق، رفض القیود است (یعنی شارع ملاک را خود رؤیت بدون در نظر گرفتن هیچ قیدی قرار داده و به افراد، مصادیق و قیود نداشته تا کسی ادعا انصراف به برخی مصادیق کند) نه جمع القیود. بنابراین، دیگر مجالی برای این ادعا به هیچ وجه نیست. آری، اگر حقیقت اطلاق را جمع القیود بدانیم، ثبوتاً برای این ادعا مجالی وجود خواهد داشت؛ اما اثباتاً، دلیل و قرینه‌ای برای آن نداریم.

نکته چهارم: بین معنای متعارف و مصداق متعارف فرق است. در بحث رؤیت هلال، مسأله استفاده از ابزار و وسائل، عنوان مصداق غیر متعارف را دارد نه معنای غیرمتعارف. اساساً رابطه بین لفظ و معنا یک امر روشن و صحیحی است، اما لغت و وضع نمی‌تواند رابطه میان لفظ و مصداق یا فرد را تعیین کند؛ چه آنکه مصداق و فرد، به مقام تطبیق مربوط است؛ و تطبیق، امری است عقلی که به واضع یا عرف ارتباطی ندارد. بنابراین، خلط میان معنای متعارف و مصداق متعارف، سبب اشتباه برخی گردیده است.

نکته پنجم: اگر انصراف با قرینه نیز همراه باشد، ظاهراً به تنهایی نمی‌تواند دلیل محکم و قابل اعتمادی برای فقیه باشد؛ بلکه اولاً، باید با فهم اصحاب معارض نباشد. و ثانیاً، مؤیداتی هم باید به آن اضافه نمود.

ادله قول دوم: ادله مخالفین رؤیت با چشم مسلح

۱- «رؤیت ماه» که به عنوان معیار روایات متواتره است، انصراف به «رؤیت با چشم غیر مسلح» دارد؛ زیرا در روایات متواتره معیار ثبوت ماه، رؤیت ذکر شده و هنگامی که سخن از رؤیت به میان می‌آید منصرف به رؤیت متعارف است که رؤیت با چشم غیر مسلح می‌باشد، زیرا فقها در تمام ابواب فقه اطلاعات را منصرف به افراد متعارف می‌دانند، مثلاً: حدّ صورت که در وضو باید شسته شود؛ تشخیص آب کر با وجب و... .

۲- عبارات ادله تماماً ناظر بر رؤیت با چشم عادی و غیر مسلح هستند. یعنی رؤیتی که برای همه در تمام نقاط زمین امکان پذیر باشد. چنانچه از امام باقر(ع) در صحیحی محمد بن مسلم روایت شده که فرمود: هر گاه هلال را دیدید روزه بگیرید و هر وقت که آن را دیدید افطار کنید و - ثبوت آغاز و پایان ماه - با رأی و گمانه زنی نیست، بلکه با رؤیت است و رؤیت این گونه نیست که ده نفر استهلال کنند و یکی بگوید: (آن جاست، همان است!) ولی نه نفر دیگر نگاه کنند و نبینند!! بلکه وقتی یک نفر آن را ببیند، ده هزار نفر هم خواهند دید. (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸۹، ح ۱۱)

روایات دیگری که هم معنای این دو روایت هستند و سند صحیح دارند، کم نیست و از این گونه روایات استفاده می‌شود که رؤیت هلال با چشم عادی ملاک است و گرنه اگر رؤیت با چشم مسلح را ملاک بدانیم، اطلاع از اول ماه مخصوص عدّه معدودی خواهد شد، در حالی که ماه باید برای همه قابل رؤیت باشد نه این که در انحصار عدّه خاصی قرار بگیرد.

۳- ائمه اطهار(ع) استفاده از راه‌های غیرمتعارف را نهی کرده‌اند؛ برای مثال امام صادق(ع) کسی را که برای اطمینان از غروب خورشید به بالای کوه رفته بود، توبیخ و از این کار منع فرمودند. (التهدیب، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۲۱۱)

۴- حرکت ماه و تغییر شکل‌های آن در شب‌های مختلف و رؤیت آن برای میقات و تعیین وقت و استفاده از آنها در معاملات و احتیاجات بشر خلق شده به طوری که در قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر از تو درباره اهله و اول ماه‌ها می‌پرسند، بگو آن‌ها برای تعیین وقت برای مردم و اعمال حج است.» (بقره: ۱۸۹) این معنا بدست نمی‌آید مگر با درک چشم عادی که برای همه مردم ممکن است و اگر بگوییم که اول ماه با چشم مسلح محقق می‌شود، باید بگوییم حدود چهارده قرن مسلمانان در اکثر اعصار و امصار نه لیلۃ القدر و نه عید فطر و نه عید قربان و نه ادعیه و اعمالی را که برای ایام و لیالی مخصوص وارد شده در زمان خود درک نکرده‌اند، مگر در موارد نادر، چون رؤیت با چشم مسلح نوعاً یک روز قبل امکان پذیر است.

۵- تولّد ماه در واقع معیار نیست، بلکه با توجه به روایات، در می‌یابیم که قابلیت رؤیت با چشم عادی، جنبه موضوعی دارد و اگر معیار تولّد واقعی ماه باشد مشکل مهمّی پیش می‌آید که عبارت است از اینکه چون در بسیاری از موارد ماه در آسمان ظاهر می‌شود و هیچ کس با چشم عادی آن را نمی‌بیند و شب بعد قابل رؤیت است، از آغاز بعثت پیامبر(ص) تا کنون اکثر مردم و ائمه(ع) اول ماه را اشتباه گرفته‌اند، و از فضل شب‌های قدر محروم بوده و روز عید را روزه گرفته و به خاطر نداشتن تلسکوپ روز بعد نماز خوانده‌اند! این‌ها همه گواهی می‌دهد که معیار تولّد واقعی ماه نیست، بلکه معیار قابلیت رؤیت با چشم عادی است.

اساساً در علم اصول آمده که «اماره» و «طریق» شرعی نمی‌تواند کثیر الخطا باشد، زیرا مردم از درک واقع محروم خواهند شد. در مواردی که اماره کثیر الخطا باشد باید گفت خود اماره موضوعیت دارد.

۶- اگر شما وسایل جدید را در رؤیت هلال کافی بدانید باید آن را همه جا کافی بدانید یعنی در تمام مسائلی که در فقه رؤیت در آن لازم است استفاده از دوربین، تلسکوپ و میکروسکوپ باید کافی باشد و آن را حجت بدانید و این موضوع نباید تنها در رؤیت هلال ماه منحصر شود. لذا شما باید در مسائلی مثل تشخیص حد ترخص، وجود ذرات بسیار ریز خون در شیر، جرم نجاست در رنگ خون باقیمانده بر روی لباس و... نیز حکم شرعی را با استفاده از ابزارهای دقیق صادر کنید:

۷- در چند حدیث اشاره شده که: «اگر یک نفر ماه را واقعا رؤیت کند همانا پنجاه نفر، صد نفر و حتی هزار نفر دیده‌اند». (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۸۹، ح ۱۰ و ۱۱) که می‌توان از آن استفاده کرد رؤیت هلال باید به گونه‌ای امکان داشته باشد که همه مردم شهر بتوانند آن را رؤیت کنند نه اینکه عده‌ای خاص، به خاطر وجود شرایط ویژه‌ای که دارند بتوانند آن را مشاهده کنند و بقیه افرادی که برای رصد و استهلال از خانه‌هایشان خارج شده‌اند، نتوانند ماه را رؤیت کنند. در توضیح این دسته احادیث توجه به نکته ذیل مناسب است.

چون رؤیت هلال یک امر انسانی است و با توجه به افراد و شرایط مختلف متغیر است. تجربه نشان داده است بسیاری از مردم از شکل هلال اطلاعی ندارند و گاه، ابر یا دود هواپیما را با هلال اشتباه می‌گیرند. برخی از افراد غیرمتخصص که به استهلال می‌پردازند، دچار توهم رؤیت می‌شوند، یعنی هلالی وجود ندارد ولی مغز تصور می‌کند هلال را می‌بیند. مطالعات نشان می‌دهد که ۱۵٪ درصد گران عادل دچار توهم می‌شوند و این توهم رؤیت می‌تواند مشکلاتی را در آغاز ماه قمری به وجود آورد. (ر.ک: امیر حسن زاده، مطالبی درباره رؤیت و تقویم)

۲- اول ماه با شهادت چند نفر ثابت می‌شود؟

با توجه به مطالب فوق و همچنین با توجه به اینکه یکی از راه‌های اثبات رؤیت هلال، «شهادت دو مرد عادل» است؛ در اینجا یک بحث مطرح است که آیا به صرف شهادت دو مرد عادل، رؤیت هلال ثابت می‌شود یا خیر؟

آیات عظام سیستانی، شبیری زنجانی، گلپایگانی، صافی، نوری، وحید می‌گویند: چنانچه دو مرد عادل در میان عده زیادی که همه می‌توانند در صورت وجود هلال آن را ببینند ادعای رؤیت کنند، در حالی که بقیه مردم با قدرت بینایی مشابه نتوانسته رؤیت نمایند، اطمینان از گفته آنان سلب می‌شود و شهادت آن دو نفر پذیرفته نمی‌شود. این در حالی است که بقیه مراجع تقلید متعرض چنین مسئله‌ای نشده‌اند. (رساله مراجع م ۱۷۳۰؛ رساله وحید، م ۱۷۳۸)

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. احمد عابدینی، رؤیت هلال از نگاهی دیگر.
۳. امام خمینی، رساله توضیح المسائل محشی به فتاوی‌ایات عظام اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، شبیری زنجانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، گلپایگانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی.

۴. امیر حسن زاده، محمد احمدی ویوسف شعبانی، ماه نو مبانی علمی رؤیت هلال.
۵. حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین.
۶. رضا مختاری و محسن صادقی، رؤیت هلال.
۷. رضا مختاری، باز هم رؤیت هلال با چشم مسلح.
۸. سید حسین حسینی سیستانی، منهاج الصالحین.
۹. سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین.
۱۰. سید حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن.
۱۱. سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات.